

مواجه شدن نخستین بار با مسیحیان

یک روز وقتی که بارفقیان خود از گردش که به چاندنی چوک نموده بودم بر میگشتم دیدم که یک گروه انبوه مردم در یک فاصله نزدیک مدرسه ما باهم جمع گردیده اند. همین که به نزدیکی این پیش منظر رسیدیم متوجه شدم که یک مباحثه در باره تثلیث یعنی اتحاد سه گانه در بین یک نفر عیسوی و یک نفر از طلاب مدرسه ما جاری بود. نفر اولین فلسفه خود را توسط آیه ذیل قران کریم پشتیبانی میکرد:

وَنَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ
القرآن سورة ق ۱۶

ترجمه: " و ما نزدیکتریم به آدمی از رگ جان "

او میگفت که در این آیه "نحن" (ما) جمع شخص اول بکار برده هر گاه یگانگی خدائی قطعی میبود باید کلمه "انا" (من) که مفرد شخص اول را نشان میدهد استعمال میشد، چون طلابیکه جواب میداد مطابق به سوال نبود لهدا مرا و ادار میساخت که جواب مباحثه آنرا بدهم و بدین ترتیب قدم پیشتر گذاشته و گفتم که ضمیر جمع شخص اول به نسبت مورد استفاده قرار گرفته که اصطلاح عربی را نشان بدهد نه حالت جمع اول شخص را.

این مرتبه اول بود که من موقع یافتن با یک نفر عیسوی داخل مباحثه شوم. از همان روز در وجودم اشتیاق غیر قابل بیان پیدا گردید تا با عیسویان مباحثه کنم، چنان اشتیاقیکه از غیرت عمیق و علاقه مندی به چیزهای مقدس سرچشمه گرفته بود. بالنتیجه تا اندازه که از توان من برمی آمد به جمع آوری کتابهای که عیسائیت را تکذیب میکرد بنا کردم. من بسیار کتابها را به دقت مطالعه نمودم و در روزهای تعیین شده شروع به رفتن به فاونتن، "جائیکه حوض بود" کردم و با مبلغین عیسوی به مباحثات پرداختم.

یک روز کشیش عیسوی که معمولاً همراه مبلغین میامد، یک کارت ملاقات را به من داد و مرا به خانه خود دعوت کرد. او لطف کرد تا رفیقان خویش را نیز با خود بیاورم. طبق وعده به همراه دوسه نفر از رفیقانم به خانه کشیش رفتم. کشیش خیلی دوستانه و مؤدب بود. در حالیکه جای مینوشیدیم ما به مباحثه دلچسپی بر موضوعات دینی شروع کردیم. رویش را بطرف من دور داد و گفت: "آیا تورات را میخوانید؟" گفتم: "چرا تورات را بخوانم؟ کیست که این کتاب تغییر یافته را که هر سال آنرا تبدیل میکنند بخواند؟" در جواب من یک نگاه دلسوزانه در روی کشیش ظاهر شد و به یک تبسم خفیف گفت: "آیا تو تصور میکنی که ما همه عیسویان متقلب هستیم؟ آیا فکر میکنی که این قدر کمتر از خدا میترسیم که با تغییر دادن کتاب مقدس دنیا را بازی بدهیم؟ وقتی مسلمانان میگویند که عیسویان که متن تورات و انجیل را تبدیل مینمایند اینها اظهار میکنند که تمام عیسویان متقلب هستند و اینها مردم را بازی میدهند، این یک ادعای بی پایه است.

عیسویان بر کتاب مقدس بحیث گفته خدا ایمان دارند مثلیکه مسلمانان قران کریم را میدانند لهدا اگر یک نفر مسلمان متن قران را تغییر داده نمی تواند چطور یک عیسوی میتواند متن کتاب مقدس خدای دانای کامل را تبدیل نماید؟ هر گاه کدام مسلمان مضر چنان احمقی کند که متن کدام آیت قران را تغییر دهد آیا تمام مسلمانان او را خارج از حدود اسلام نخواهد داشت و تمام حقایق را راجع به او نشر نخواهد رساند؟ به عین ترتیب اگر یک عیسوی مضر متن کدام آیت کتاب مقدس را تغییر دهد آیا تمام عیسویان حقیقی دیگر او را خارج از حدود دین شان نخواهد شناخت و راجع به نامبرده حقایق را نشر نخواهد کرد؟ البته که ایشان خواهند کرد! ازین شما دیده

میتوانید که مشاجرهٔ مسلمانان که متن گفتهٔ خدا تغییر یافته است بالکل بی اساس و بیهوده است. من یقین دارم که این مجادله توسط مسلمانانی صورت میگیرد که عموماً آنها از کتاب مقدس و از فلسفهٔ عیسائیت بی خبر هستند.

بعد از آن کشیش مذکور برایم دو کتاب مقدس را داد که یکی آن به فارسی و دیگری به عربی بود. مرا توصیه کرد که این را بخوانم. ما از او تشکر کردیم و جدا شدیم. به هدفیکه آن کشیش مرا کتاب مقدس را داده بود هیچ توجه نداشتم. هدف من از خواندن کتاب مقدس این بود که عیب‌های آنرا دریافت کرده و از آن راست بودن اسلام را ثابت و مباحثات عیسویان را خاموش بسازم. من کتاب مقدس را از شروع تا آخر نخواندم لکن عباراتی را که مشاجره کنندگان اسلامی در نوشته‌های خود از آن اقتباس کرده بودند میخواندم. خلاصه تا وقتی که در دهلی بودم این را وظیفهٔ خود ساختم تا با عیسویان مباحثه را ادامه بدهم.